

# نقش عدد هزار و هزار و یک

در ادب فارسی  
و زندگی اجتماعی انسان

حیدر کردی

آموزگار پایه ششم دبستان شهید کردیان تکیه، آموزش و پرورش شهرستان باغ ملک (خوزستان)

## چکیده

نگارنده در این مقاله به نمونه‌هایی از کاربرد اعداد پُر رمز و راز هزار و هزار و یک در زندگی اجتماعی انسان و نقش نمادین آن‌ها در ادب فارسی پرداخته و به اهداف و کاربرد نمادین این گونه اعداد خاص در زندگی انسان، اشاره‌ای کوتاه داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** هزار، هزار و یک، نماد، انسان، ادب فارسی، باورهای آیینی

## مقدمه

اعداد همواره مورد توجه مردم دنیا بوده‌اند و اغلب مردم از آن‌ها به شکل نمادین و آیینی با بار معنایی متفاوت استفاده می‌کرده‌اند. بعضی از اعداد مانند سه، هفت، چهل، صد، هزار و... به شکل مقدس و آیینی در زندگی اجتماعی انسان به کار می‌رفته‌اند. باور به این اعداد هنوز در میان بسیاری از مردم دنیا، رواج دارد. پدیده‌ها، اشیا، واقعیت‌ها و عوامل زیادی سبب می‌شوند که انسان از اعداد به شکل نمادین استفاده کند. کثرت استفاده از اعداد سبب شده است انسان از اعداد جدید و بار معنایی آن‌ها، در زندگی بهره‌مند شود. عدد **هزار و یک** نیز به‌عنوان یکی از این اعداد شگفت‌انگیز و رازآمیز در زندگی مردم عادی نمود پیدا کرده و حتی مورد توجه شاعران، نویسندگان و دانشمندان، قرار گرفته است.

نگارنده در این نوشتار به نمونه‌هایی از کاربرد عدد **هزار** و سپس به ذکر شاهد و مثال‌ها و کاربردهایی از عدد **هزار و یک** در ادب فارسی و زندگی اجتماعی انسان می‌پردازد.

در این ورطه کشتی فرو شد **هزار** که پیدا نشد تخته‌ای بر کنار

(سعدی، به نقل از لغت‌نامه، ذیل «هزار»)

**هزار** رنگ بر آرد زمانه و نبود  
یکی چنان که در آیینۀ ماست  
(انوری، به نقل از لغت‌نامه، ذیل «هزار»)

شاه! **هزار** سال به عز اندرون بزی  
وان گه **هزار** سال به مُلک اندرون بیال  
(عنصری)

به مژگان سیه کردی **هزاران** رخنه در  
دینم  
بیا کز چشم بيمارت **هزاران** درد برچینم  
(حافظ، ۱۳۸۳: ۴۸۰)

«فشین [به احمدبن ابی دؤاد] گفت: اگر  
**هزار** بار زمین بوسه‌دهی، سود ندارد و  
قاسم [=بودلف] را بخواهم کشت.» (بیهقی،  
۱۳۷۶، ج ۱: ۲۲۴)

زندگانی هزار ساله حضرت نوح(ع) - که حدود ۹۵۰ سال آن را به راهنمایی و هدایت مردم به راه راست صرف کرد - می‌تواند نمادی از قداست و آیینی بودن عدد **هزار** باشد. حکومت **هزار** ساله **جمشید** از پادشاهان پیشدادی و دلاوری‌های **هزار** ساله **زال** - که شرح زندگی آن‌ها در شاهنامه فردوسی آمده است - بیانگر توجه مردم به مفهوم کنایی این عدد خاص در زندگی است. نام‌گذاری خزندگانی مانند «**هزارپا**» و پزندگانی مانند «**هزار** یا **هزارستان** یا **هزار آوا**» و به کار بردن عبارت‌هایی نظیر «**هزار** گرفتاری»، «**هزار** دردسر»، «داشتن **هزار** کار» و دیگر کنایه‌های با مفهوم مشابه و سرودن منظومه‌های **هزار** بیتی و یا اندکی کمتر یا بیشتر از آن نظیر **گلشن راز** از

شیخ محمود شبستری (به زبان فارسی)، **گشتاسب‌نامه** ۱ دقیقه توسی (به زبان فارسی)، **الفیه ابن مالک اندلسی** (به زبان عربی) و... می‌تواند بیانگر علاقه مردم به کاربرد این عدد خاص باشد.

کاربرد موارد مشابه نظیر «**هزاره** دوم آهوی کوهی ۲»، «تأسیس بیمارستان‌های هزار تخت خوابی در کشور»، «**هزار** سال نظم و یا نثر فارسی»، «بزرگداشت **هزارمین** سال تولد یا وفات یک شخصیت و یا سرودن یک منظومه یا اثر»، «**هزار** یا **هزاران** به‌عنوان یکی از هفت بازی نرد در قرون گذشته» و... تأییدکننده این مطلب است. به کار بردن ضرب‌المثل‌هایی از قبیل «یک شب، **هزار** شب نمی‌شود»، «یک سر دارد و **هزار** سودا»، «با شکستگی، می‌آرزد به **صدهزار** درست‌آ» و... نیز بیانگر توجه مردم به این عدد و ترکیبات آن است. این عدد رازآمیز با برخی از باورهای عامیانه در ادبیات فارسی، نیز پیوندی شگرف و شگفت برقرار کرده است؛ برای نمونه، گذشتگان معتقد بودند که درخت چنار بعد از **هزار** سال خود به خود آتش می‌گیرد. ققنوس، این پرندۀ افسانه‌ای و اسطوره‌ای، نیز بعد از مدتی نزدیک به **هزار** سال خود را آتش می‌زند و پرندۀ دیگری از تخم آن متولد می‌شود.

برای تأکید بیشتر بر این موضوع، به نمونه‌هایی از کاربرد عدد **هزار** در «گلستان» و «پله پله تا ملاقات خدا» اشاره می‌شود:

«یک خلقت زیبا به از **هزار** خلعت دبا.»  
(سعدی، ۱۳۷۹: ۲۸۱)

«آن فرومایه، **هزار** من سنگ برمی‌دارد و  
طلاقت یک حرف نمی‌آرد.» (گلستان)

«مولانا» در گذر از کوبی، یک روز دو تن را در حال نزاع دید. یکی به دیگری پرخاش می‌کرد که اگر یکی به من کوبی، هزار بشنوی. مولانا روی به آن دیگری کرد و گفت: هر چه خواهی به من بگویی که اگر هزار کوبی، یکی هم نشنوی.» (پله پله تا ملاقات خدا)

گاهی برای تأکید بیشتر به جای «هزار» در شعر فارسی، اعداد «صد هزار» و «صد هزاران» به کار می‌رود. این عدد خاص با مثنوی معنوی سرشته شده است. همچنین، «صد هزار» از ترکیب‌های بسیار مأنوس در «سندبادنامه» است که کثرت و کاربرد بیش از حد و نهایت غلو با آن بیان می‌شود. در این پژوهش برای اختصار به یک نمونه کاربرد این ترکیب در دیوان حافظ و چند نمونه آن در «مثنوی معنوی» و «سندبادنامه» اکتفا می‌شود.

**صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخلست**

عندلیبان را چه پیش آمد، هزاران را چه شد؟ (حافظ، ۱۳۸۳: ۲۲۸)

**صد هزاران دام و دانه ست ای خدا**  
ما چو مرغان حریص بی‌نوا  
(مولوی، ۱۳۷۴: ۱، بیت ۲۵۷)  
غیرنطق و غیر ایما و سِجَل  
**صد هزاران ترجمان خیزد ز دل**  
(همان، بیت ۱۲۰۸)  
**صد هزار ابلیس لاحول آر بین**  
آما، ابلیس را در مار بین  
(مولوی، ۱۳۷۸: ۲، بیت ۲۵۷)

«زن بی‌درنگ خودش را آراست و مانند معشوقه‌ای شادمان که نزد عاشق هجران کشیده و یا عذرا به خانه وامق برود، با **صد هزار** عشوه و کرشمه و ناز از در گرمابه داخل شد.» (ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

«[معشوق] با لبخند و گشاده‌رویی به استقبال عاشق شتافت و با **صد هزار** ناز، عاشق دردمند خود را به سوی خود خواند.» (همان: ۱۱۸)

«جوان آه سرد از جگر می‌کشید و اشک گرم از چشم فرو می‌ریخت و آن شب را با **صد هزار** درد و التهاب به روز رساند.»

(همان: ۱۴۷)

انسان از دیرباز به دنبال تغییر و تحول در زندگی و طبیعت بوده است. تکرار و یک‌نواختی عاملی است که همیشه روح انسان را آزاده می‌کرده است. تکرار و کاربرد عدد **هزار** و رواج بیش از حد آن در زندگی سبب شده است که انسان به عدد **هزار و یک** متوسل شود و خود را از بند تکرار عدد **هزار** برهاند. به نظر می‌رسد وارد شدن عدد **هزار و یک** به زندگی انسان با اسماء‌الله - که **هزار و یک** است - نیز ارتباطی داشته باشد و ظاهراً انسان در طول تاریخ این عدد را نمادی از کمال در نظر می‌گرفته است. اینک به اختصار به نمونه‌هایی از کاربرد عدد **هزار و یک** در زندگی انسان و در ادب فارسی می‌پردازیم.

در خط نظامی از نهی گام  
بینی عدد **هزار و یک** نام  
و الیاس کالف بری ز لامش  
هم با نود و نه است نامش  
زین گونه **هزار و یک** حصارم  
با صد کم یک، سلیم دارم  
(نظامی، ۱۳۷۸: بیت ۶۱۲ تا ۶۱۴)

نوشتن کتاب‌هایی نظیر «الف لیلة و لیلة» و ترجمه فارسی آن به نام «**هزار و یک شب**»، «**هزار و یک شب دختر لر**»، نام‌گذاری برخی فروشگاه‌ها و مراکز خرید به «**هزار و یک**» و مواردی از این قبیل نیز بیانگر رواج این عدد در زندگی انسان است. امروزه این عدد با واژه‌های «دلیل»، «گرفتاری»، «بهبانه» و... وابستگی خاصی پیدا کرده و سبب رواج برخی ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها در ادب فارسی شده است. برای نمونه: «اگر مردی یک زن و یک کلفت داشته باشد، به **هزار و یک** دلیل جزء «مردان دو زنه» به‌شمار می‌آید.» (لطیفه‌های قبل از انقلاب، به نقل از پرتو، ۱۳۷۷: ج ۳، ۵۹۳) «**هزار و یک** بدبختی دارم»، «**هزار و یک** گرفتاری و مشغله دارم»، «برای این کار **هزار و یک** دلیل منطقی دارم»، «به **هزار و یک** دلیل شکست خوردم» و... در سخنان بزرگان آمده است: «اگر انسانی **هزار** دلیل بی‌آورد تا اشتباهی را توجیه کند، باید بداند که وی مرتکب **هزار و یک** اشتباه شده است» و...

## نتیجه

اغلب مردم دنیا در طول تاریخ از اعداد به‌ویژه از عدد **هزار** در موقعیت‌های مختلف به شکل نمادین و در قالب ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها و در حالت خاص، به شکل مقدس و آیینی استفاده می‌کرده‌اند. به نظر می‌رسد تکرار و رواج بیش از حد عدد **هزار** و ترکیبات مشابه آن نظیر «**صد هزار**» و «**صد هزاران**» در زندگی مردم و در ادبیات فارسی، سبب شده است که عدد **هزار و یک** نیز برای تنوع و به‌عنوان تقلیدی از اسماء‌الله در ادبیات فارسی رواج پیدا کند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. گشتاسب‌نامه منظوم دقیقی نزدیک به هزار بیت است که فردوسی ضمن امانت‌داری، آن را در دل شاهنامه گنجانده و در خوابی که درباره دقیقی توسی دیده، به این موضوع اشاره کرده است:

چنان دید گوینده یک شب به خواب  
که یک جام می‌داستی چون گلاب  
دقیقی ز جایی پدید آمدی  
بر آن جام می‌داستان‌ها زدی  
به فردوسی آواز دادی که می  
مخور جز به آیین کاووس کی...  
از این باره، من پیش‌گفتم سخن  
سخن را نیامد سراسر به بن...  
ز گشتاسب و ارجاسب بینی **هزار**  
بگفتم، سرآمد مرا روزگار...  
(فردوسی، ۱۳۷۶: ج ۵، ۶۵)

۲. نام کتابی از محمدرضا شفیعی کدکنی که مجموعه‌ای از اشعار وی است.  
۳. برگرفته از بیت «یکن معامله، وین دل شکسته بخر که با شکستگی آرزو به صد هزار درست» از حافظ شیرازی.  
۴. این کتاب ترجمه «one thousand and one nights with a girl» است که انتشارات بوعلی آن را به چاپ رسانده است.

### منابع

۱. بیهقی، ابوالفضل محمدحسین؛ **تاریخ بیهقی**، ج ۱، ۶.
۲. پرتو، عبدالکریم؛ **قدح درد**، ج ۳، به نگار، ج ۳، تهران، ۱۳۷۷.
۳. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد؛ **دیوان غزلیات**، صفی‌علی‌شاه، ج ۳۶، تهران، ۱۳۸۳.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ **لغت‌نامه**، ج ۲ از دوره جدید، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
۵. سعدی، مصحح‌الدین عبدالله؛ **گلستان**، ج ۱، ۱۲.
۶. صفی‌علی‌شاه، تهران، ۱۳۷۹.
۷. ظهیری سمرقندی، علی‌بن محمد؛ **سندبادنامه**، بازنویسی علی‌شاهری، مجید، ج ۱، تهران، ۱۳۸۱.
۸. فردوسی، ابوالقاسم؛ **شاهنامه**، ج ۶، به کوشش سعید حمیدیان، قطره، تهران، ۱۳۷۶.
۹. مولوی، جلال‌الدین بلخی؛ **مثنوی معنوی**، دفتر ۱، شرح کریم زمانی، اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
۱۰. \_\_\_\_\_؛ **دفتر ۲، اطلاعات**، ج ۵، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. نظامی گنجوی؛ **لیلی و مجنون**، به تصحیح برات زنجانی، دانشگاه تهران، ج ۲، تهران، ۱۳۷۴.